

روش تدریس حل مسئله در فرایند یاددهی - یادگیری دروس مطالعات اجتماعی

علی قاسمی نیا^۱

مریم مقدم^۲

میترا مقیمی^۳

مطهره غلامی^۴

چکیده

حل مسئله فرایندی ذهنی، تفکری، دانشی و مهارتی است که در واقع پدیدآورنده علوم، فناوری، مهندسی و به طور کلی همه ابداعات و اختراعات و دستاوردهای بشری است. در واقع یکی از مهم‌ترین اهداف و کارهای علوم و فناوری، شناسایی و حل مسائل مربوط به آن حوزه‌ی موضوعی می‌باشد حال با توجه به مباحث فوق سوالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از: ۱- کدام مؤلفه‌های آموزشی در گسترش روش تدریس فعال حل مسئله تأثیر گذارند؟ (سوالات ۱ الی ۱۱ پرسش‌نامه) ۲- آیا بین به‌کارگیری شیوه‌های مهم تربیتی با گسترش مهارت حل مسئله در فرایند یاددهی-یادگیری دروس مطالعات اجتماعی رابطه وجود دارد؟ (سوالات شماره ۱۲ الی ۲۱ پرسش‌نامه) و روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی بوده و ابزار تحقیق ما پرسشنامه محقق ساخته به تعداد ۲۱ سؤال بوده و جامعه آماری ما ۶۰ نفر از دبیران مطالعات اجتماعی نواحی یک و دو شهرستان ساری می‌باشند. نتایج داده‌ها بدین شرح می‌باشند: مؤلفه‌هایی از قبیل: برقراری تعامل بین معلم و فراگیر - آموزش گردآوری اطلاعات میدانی به فراگیران - استفاده از انواع آزمون‌های عملکردی - استفاده از روش فرضیه‌سازی - تمرین فرضیه‌سازی در فرایند تدریس در توسعه و گسترش مهارت حل مسئله در مدارس عواملی تأثیرگذار می‌باشند.

واژگان کلیدی: روش تدریس، حل مسئله، فرایند، یادگیری، مطالعات اجتماعی، دبیران.

-
۱. کارشناسی ارشد و دبیر. مطالعات اجتماعی شهرستان قائمشهر.
 ۲. کارشناسی ارشد و مشاور مدارس شهرستان تهران.
 ۳. لیسانس و دبیر. مطالعات اجتماعی شهرستان سیمرغ.
 ۴. کارشناسی ارشد و دبیر. مطالعات اجتماعی شهرستان قائمشهر.

مقدمه

مسئله عبارت است از چیزی که از توان سازمان برای رسیدن به هدف می‌کاهد؛ به دیگر سخن، مسئله بر وضعیتی دلالت دارد که سازمان را از کسب اهدافش باز می‌دارد. تعریف دقیق مسئله، یکی از مهم‌ترین مراحل حل مشکل است. مدیر ممکن است در تعریف مسئله با دشواری‌هایی مواجه گردد. بخشی از این دشواری‌ها ناشی از آن است که گاهی حوادث و مسائل مورد توجه مدیران، خود آثار و نتیجه‌مسائلی اساسی‌تر و غالب‌ترند. تعیین اهداف تصمیم در این مرحله، بر این امر تأمل می‌شود که پس از حل مسئله، پیدا شدن چه تغییراتی در وضعیت وجود مطلوب است؟ در این فراگرد مدیر باید تشخیص بدهد که «چه ابعادی از مسئله باید توسط خود وی حل شوند؟» و «حل چه ابعادی از مسئله توسط وی، شایسته است؟»؛ زیرا معمولاً هر مسئله را باید از ابعاد متعددی مورد توجه قرار داد. بدیهی است که ارائه یک راه‌حل کارساز، برای حل همه ابعاد مسئله، کار دشواری است؛ بنابراین، مدیر باید اقدامات «بایسته» را از «اقدامات شایسته» متمایز سازد؛ به طوری که امکان ارائه راه‌حل‌های بدیل متعددی بر مبنای اولویت‌ها، فراهم گردد.

بیان مسئله

حل مسئله یکی از روش‌های فعال تدریس است. اگر نظام آموزشی بخواهد توانایی حل مسئله را به دانش‌آموزان یاد دهد، (البته مسئله به معنی مشکل و معضل نیست، به بیان دیگر مسئله موضوعی نیست که برای ما مشکل ایجاد کند، بلکه رسیدن به هدف در هر اقدامی، به نوعی حل مسئله است (شعبانی، ۱۳۸۲ ص ۱۵۵). در این روش آموزش در بستر پژوهش انجام می‌شود و منجر به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش‌آموزان می‌شود. در این روش ابتدا معلم باید مسئله را مشخص، سپس به جمع‌آوری اطلاعات توسط دانش‌آموزان پرداخته شود و بعد از جمع‌آوری اطلاعات بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده دانش‌آموزان فرضیه‌سازی و در نهایت فرضیه‌ها را آزمون و نتیجه‌گیری شود. اگر روش حل مسئله درست انجام شود می‌تواند منجر به بارش یا طوفان فکری گردد. یعنی اگر معلم روش تدریس حل مسئله را به درستی انجام دهد، دانش‌آموزان می‌کوشند تا برای حل مسئله با استفاده از تمام افکار و اندیشه‌هایی که دارند، در کلاس راه‌حلی بیابند و آن را ارائه دهند. به بیان دیگر اگر معلم در روش تدریس حل مسئله به درستی عمل کند، منجر به روش تدریس بارش مغزی نیز می‌شود. به طور کلی اگر نظام آموزش و پرورش بخواهد در جهت تقویت زمینه‌های بالقوه خلاقیت نقش مهمی ایفا کند همانا بست روش‌های تدریس حل مسئله و بارش فکری در کلاس درس توسط معلمان است. (صفوی، ۱۳۸۸) سؤال اصلی تحقیق عبارت از: کدام مؤلفه‌های آموزشی و تربیتی در گسترش روش تدریس فعال حل مسئله بیشترین میزان تأثیرگذاری را دارند؟

پیشینه تحقیق

در ارتباط با اهمیت بارش فکری و رابطه آن با تقویت سواد علمی معلمان صاحب‌نظران زیر در تحقیقاتشان مباحثی را مطرح نمودند: آقازاده، (۱۳۸۶)، راهنمای روش‌های نوین تدریس، آکادمی تفکر (۱۳۹۱) نمونه‌هایی از سؤال‌های پایه در حل مسئله، آل‌گوتک، جرالده (۱۳۸۳). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، احدی، (۱۳۷۶). روان‌شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک)... جیمز، ویلیام (۱۳۵۹). دین و روان. جرج پولیا (۱۳۸۸)، هنر حل مسئله. جیمز هیگینز (۱۳۸۵)، کتاب ۱۰۱ تکنیک حل خلاق مسئله، (راهنمای اندیشه نو برای کسب‌وکار)، دبنو، ادوارد (۱۳۸۴). به فرزندان خود روش فکر کردن بیاموزید. دبنو، ادوارد (۱۳۷۶) تفکر جانبی. سیف، (۱۳۷۹)، روان‌شناسی پرورشی، شعبانی (۱۳۸۲)، مهارت‌های آموزشی روش‌ها و فنون تدریس، تهران، سمت. شرفی (۱۳۸۱). تفکر برتر. صفوی، (۱۳۸۵)، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، صمیمی اردستانی (۱۳۹۱)، حل مشکل، (آموزش یکی از مهارت‌های زندگی)، قاسم‌زاده (۱۳۸۹). حل خلاق مسئله. هاشمی (۱۳۸۹)، حل مسئله. فصلنامه علوم خلاقیت شناسی و حل مسئله ابداعی. محمدی (۱۳۸۳)، کتاب ارشد، پارسا (۱۳۷۲) روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد و نظریه‌ها.

سؤالات اصلی تحقیق

۱. کدام مؤلفه‌های آموزشی در گسترش روش تدریس فعال حل مسئله تأثیرگذارند؟ (سؤالات ۱ الی ۱۱ پرسش‌نامه)
۲. آیا بین به‌کارگیری شیوه‌های مهم تربیتی با گسترش مهارت حل مسئله در فرایند یاددهی-یادگیری دروس مطالعات اجتماعی رابطه وجود دارد؟ (سؤالات شماره ۱۲ الی ۲۱ پرسشنامه)

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی بوده و ابزار تحقیق ما پرسشنامه محقق ساخته به تعداد ۲۱ سؤال بوده و جامعه آماری ما ۶۰ نفر از دبیران مطالعات اجتماعی نواحی یک و دو شهرستان ساری می‌باشند.

تحلیل مسئله در فرایند تدریس

مسئله به موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن فرد چیزی را طلب می‌کند، ولی نمی‌داند که چگونه به‌طور مستقیم به آن دست یابد. برای کسب مهارت در حل مسئله، فرد باید تمرین‌های زیادی انجام دهد.

کودکان انتظار دارند که حل کردن مسئله را صرفاً با حل کردن و بدون هیچ راهنمایی و یا بحث در این زمینه یاد بگیرند. مسائل در درجه اول موجب تکرار و تمرین مطالب تدریس شده می‌گردند، به کمک ریاضیات می‌توان کم و بیش ((جهان واقعی)) را در ذهن به نظم آورد.

راهبردهای حل مسائل:

- ۱- مسئله را درک کنید.
 - ۲- نقشه‌ای برای حل آن طرح کنید.
 - ۳- نقشه را اجرا کنید.
 - ۴- برای امتحان کردن جواب به دست آمده به عقب برگردید.
- این مدل مبنایی برای حل مسئله تشکیل می‌دهد که در بیشتر کتاب‌های ریاضی مدارس ابتدایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین دانش‌آموزان، دیدن، طرح نقشه، عمل، و آرسی را می‌آموزند. برای حل مسائل باید به این شعار توجه داشت: همان‌طور که مسئله را می‌خوانید سعی کنید آن را حل کنید.

- ۱- اقدام کردن
- ۲- یک طرح یا دیگرام بکشید.....
- ۳- به دنبال الگو بگردید..
- ۴- جدول رسم کنید..
- ۵- همه امکان‌ها را به‌طور اصولی برشمارید.....
- ۶- حدس بزنید و امتحان کنید. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۷- خواسته‌ها، مفروضات و اطلاعات مورد نیاز را مشخص کنید. رتال طابع علوم انسانی
- ۸- یک جمله باز بنویسید....
- ۹- مسئله‌ای حل کنید که از مسئله اصلی ساده‌تر یا با آن هم‌ارز باشد.
- ۱۰- دیدگاه خود را نسبت به مسئله تغییر دهید.

چگونگی حل مشکل در طرح مسئله

ما سه دسته مشکل داریم؛ دسته‌ی اول مسائلی هستند که به‌طور مشخص برای آن‌ها پاسخ‌هایی داریم. درواقع مسئله روشن است، ولی ما از روش نظم و قاعده نیاز به برنامه‌ریزی داریم. مثلاً رفتن به محل کار مسئله‌ای است که ما آن را هر روز انجام می‌دهیم، به فکر چندانی هم نیاز ندارد، ولی به هر صورت بدون

برنامه‌ریزی هم نمی‌شود آن را انجام داد، این برنامه‌ریزی در ذهن صورت می‌گیرد ولی کاملاً ناخودآگاه و بدون صرف انرژی فکری، درواقع ذهن به‌طور اتوماتیک این کار را انجام می‌دهد.

دسته‌ی دوم مشکلاتی هستند که ما برای حل آن‌ها به یک رشته اطلاعات و دانش معین نیاز داریم. مثلاً ضبط‌صوت ما خراب شده و نمی‌دانیم علت خرابی چیست، از شخص کارشناسی می‌پرسیم و او می‌گوید این پیچ شل شده، آن را سفت کنید. ما از این طریق اطلاعات و دانش مربوط به آن را به دست آورده‌ایم؛ پیچ شل شده را سفت می‌کنیم و مشکل حل می‌شود. و یا بیمار می‌شویم و با استفاده از دانش پزشک بیماری را مداوا می‌کنیم. دسته‌ی سوم مشکلاتی هستند که برای حل آن‌ها نه‌تنها دانش کافی نداریم بلکه راه رسیدن به آن دانش و اطلاعات را هم نمی‌دانیم. درواقع حل این مشکلات به راحتی مسائل دسته‌ی اول و دوم نیست و کمی پیچیده است. در چنین شرایطی ما از مهارت حل مشکل استفاده می‌کنیم. (صمیمی اردستانی، مهدی حل مشکل، ۱۳۹۱)

گاهی مشکل ما یک مشکل روزمره است و نیاز به دانش زیادی هم ندارد، ولی راه‌حل‌های مختلفی برای آن وجود دارد و ما ناگزیریم ذهن خود را دسته‌بندی کنیم تا بتوانیم به بهترین راه‌حل دست یابیم. به دلایلی هم نمی‌توان تند و سریع به بهترین راه‌حل رسید. مثلاً فرض می‌کنیم کسی گرفتار بحران مالی شده است، بحران زمانی حل می‌شود که فرد بحران‌زده پول به دست بیاورد. پول به دست آوردن آسان نیست، راه‌حل‌های گوناگونی وجود دارد که ما باید آن‌ها را بررسی کنیم. مهارت حل مشکل در اینجا به کمک ما می‌آید. به عبارتی دیگر مهارت حل مشکل به جای آن که پاسخ یک مسئله را بیان کند راه رسیدن به جواب را پیش رو می‌گذارد. در طی فرایند حل مشکل می‌توانیم به نحوی طبقه‌بندی شده و سازمان‌یافته روی مشکل کار کرده، با خطای کمتر و اطمینان بالاتر به پاسخ سؤال دست یابیم. کاربرد مهارت حل مشکل در تمامی موضوعات روزمره نیست بلکه این مهارت زمانی به کار گرفته می‌شود که موضوع یا مشکل راه‌حل در دسترس و پیش رو نداشته باشد. (صمیمی اردستانی، مهدی، ۱۳۹۱)

راهکارهایی عملی برای تعریف مسئله

مسئله را به فرصت‌ها تبدیل کردن

نگاه ما به مسئله و تعریفی که از آن داریم تا این حد مؤثر است که حتی می‌تواند مسئله ما را به فرصت تبدیل کند. به قول آلبرت اینشتین، فرصت‌ها در دل مشکلات نهفته‌اند. به این نگاه نکنید که یک موقعیت چقدر بد و ناخوشایند به نظر می‌رسد؛ از خود بپرسید: در این موقعیت چه فرصتی برای من نهفته است؟ اکثراً ما در نگاه به مسائل فقط جوانب تاریک مسئله، اختلال در کارها، هزینه‌های سنگین و

... را می‌بینیم. اما این یک هنر است که برای حل مسئله‌مان گاهی بتوانیم آن را در حالت ساده و محدودش ببینیم.

تعریف تصمیم در حل مسئله

بهترین روش برای اینکه بتوانیم مسئله تصمیم‌مان را تعریف کرده و یا شکل تازه‌ای به آن ببخشیم این است که ارزیابی اولیه خود را روی کاغذ بیاوریم و آن را زیر سؤال ببریم و تعریف مکتوبی از مسئله‌مان داشته باشیم. تفکر از زوایای مختلف در آغاز کار تعریف‌های بهتری از مسئله خلق می‌کند. تعریف‌های بهتر گستره وسیع‌تری از راه‌حل‌های خلاقانه را پدید می‌آورند.

از خود پرسیم آغازگر این تصمیم چه بوده است؟ اصلاً چرا من به این فکر افتادم؟ آغازگر برای شروع بسیار خوب است زیرا نقطه پیوند ما با مسئله اصلی است. آغازگرها می‌توانند فکر ما را منحرف کنند و در تله‌ای بیاندازند. که مسئله را فقط طوری ببینیم که نخستین بار از خاطرم‌ان گذشته است. مثلاً وقتی رئیس یک شرکت از کارمندش می‌خواهد که یک بسته نرم‌افزاری جدید برای ارسال مراسلات انتخاب کند، ممکن است مسئله واقعاً این نباشد که بهترین نرم‌افزاری که می‌توان خرید چیست؟ مسئله حقیقی شاید این باشد که بهترین روش برای ارسال مراسلات شرکت کدام است؟ شاید به این نتیجه رسید که اصلاً نیازی به خرید نرم‌افزار جدید نیست. بلکه نیاز این است که یک دفتر اندیکاتور ساده خرید.

زیر سؤال بردن حدودهای مسئله

یکی از این محدودیت‌ها، محدودیت‌های زمانی است. محدودیت‌ها بعضی وقت‌ها چشم ما را می‌بندند و نمی‌گذارند بهترین گزینه‌ها را انتخاب کنیم. تشخیص و برخورد نقادانه با محدودیت‌ها ما را به تعریف بهتر مسئله و یافتن راه‌حل‌های بهتر رهنمون می‌کند.

الگوی تدریس حل مسئله

حل مسئله فرایندی است برای کشف توالی و ترتیب صحیح راه‌هایی که به یک هدف یا راه‌حل منتهی می‌شود. در موقعیتی که انسان با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود باید موانع یا مشکلاتی که بر سر راه رسیدن به هدف وجود دارد غلبه کند. در روان‌شناسی «مسئله» معمولاً به محیط بیرونی فرد مربوط می‌شود مانند ماز معما و مسئله ریاضی که برای هر کدام یک راه‌حل و پاسخ مشخص یافت می‌شود. عامل اصلی در حل مسئله عبارت است از: کاربرد تجربه قبلی فرد برای رسیدن به راه و پاسخی است که پیش از آن برای انسان شناخته شده نبوده است.

الگوهای روش‌های حل مسئله

الف) حل مسئله از طریق آزمایش و خطا: چنان چه با مسئله‌ای روبه‌رو شویم که برای حل آن، قاعده و اصولی از پیش شناخته شده‌ای در اختیار نداشته باشیم، از طریق آزمایش و خطا آن را حل می‌کنیم. مثل: باز کردن قفلی با دسته کلیدی که تعداد زیادی کلیدهای شبیه به هم دارد. می‌توان آن را از طریق بینش و شناخت حل کرد. (سیف، روان‌شناسی پرورشی، ۱۳۷۹ و صفوی، امان‌الله، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، ۱۳۸۵)

ب) حل مسئله از طریق بینش و شناخت: هنگامی که عناصر و روابط مربوط به یک مسئله برای انسان شناخته شده باشند، می‌توان آن را از طریق بینش و شناخت حل کرد. روش حل مسئله از طریق بینش و شناخت به کشف قواعد و الگوی روابط و یا اصولی که در مسئله نهفته است دلالت دارد و به محض اینکه عوامل مذکور شناخته شوند مسئله مستقیماً حل خواهد شد. رفتار توأم به بینش دارای دو شرط است:

۱- باید اصول اصلی شناخته و فهمیده شوند.

۲- منابع و وسایل موجود تغییر یابند و با انطباق داده شوند تا حل مسئله از طریق بینش، عملی گردد. فرض کنید که یک پیام سَرّی با این ارقام (۴۰-۸-۴۰۰۴) برای شما ارسال گردیده است. باید بدانید ارقام با حروف الفبا چه ربطی دارد وقتی کشف می‌کنیم ارقام حروف ابجد هستند، از طریق بینش مفهوم آن را دریافت می‌کنیم.

ج) حل مسئله با روش دیویی: جان دیویی فرایند جریان حل مسئله را با پیدا کردن عواملی که موجب مسئله شده‌اند آغاز می‌کند. در این روش تأکید بر آن است که شاگرد مستقلاً مسئله را حل کند. روش دیویی دارای پنج مرحله به شرح زیر است:

۱.. مشخص کردن مسئله (وجود گودال در مثال زیر)

۲.. حدس زدن یا مشخص کردن علل مسئله (عمق، پهنا و لغزنده بودن دیواره)

۳.. در نظر گرفتن راه‌حل‌های ممکن (که با توجه به موقعیت معین می‌شود)

۴.. انتخاب بهترین راه‌حل (که با توجه به موقعیت انتخاب می‌شود)

۵.. اجرای راه‌حل انتخابی و نتیجه‌گیری. (فضلی خانی، روش‌های فعال تدریس، ۱۳۷۹ و شعبانی، فنون تدریس، ۱۳۸۲)

مثال: فردی که در جنگل می‌رود ممکن است به گودالی برسد که او را از پیش روی باز دارد. در اینجا عمق و پهنای گودال و لغزنده بودن دیوارهای آن، مشکل‌آفرین هستند. در این موقعیت عابر راه‌های مختلفی برای عبور از گودال در نظر می‌گیرد، یکایک آن‌ها را ارزیابی می‌کند و سرانجام راه‌حل نهایی را به کار می‌گیرد و مسئله را حل می‌کند. نکته: روش حل مسئله با روش دیویی و روش اکتشافی مراحل مشابه و یکسانی دارند. تفاوت آن‌ها در میزان و نحوه راهنمایی معلم به شاگردان برای حل مسئله است.

د) حل مسئله با روش تحلیلی: تحلیل تدریجی و گام به گام مسئله در جهت رسیدن به حل مسئله به فهم کامل کلیدی مراحل و روابط مربوط نیاز دارد. این روش آمیزه‌ای از روش آزمایش و خطا، بینش و تفکر منطقی است. بسیاری از مسائل هندسی بدین گونه حل می‌شوند. احتمالاً همان روشی که دانشمندان در برخورد با مسئله در پیش می‌گیرند نیز همین است.

محاسن: الگوی حل مسئله به علت، فعال و سهیم بودن شاگردان در فعالیت‌های آموزشی، یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های تدریس به حساب می‌آید. در این روش شاگردان احساس مسئولیت می‌کنند و رضایت خاطر بیشتری به دست می‌آورند و در موقع شکست خود را مسئول می‌دانند نه معلم را. در این روش دانش‌آموزان برای نمره گرفتن کار نمی‌کنند بلکه برای کاربرد آموخته‌های خودشان این کار را انجام می‌دهند. دانش‌آموزان با این روش خلاق می‌شوند.

مراحل اجرای حل مسئله

طرح مسئله یا بازنمایی مشکل

فرایند حل مسئله با طرح یا بازنمایی مسئله آغاز می‌شود. مسئله را از راه‌های مختلفی می‌توان در ذهن شاگردان ایجاد کرد. انتخاب مسئله مناسب برای شروع تدریس یکی از مهم‌ترین مراحل انجام کار به شمار می‌آید.

اگر مسئله توجه شاگردان را جلب نکند یا برای آنان به اندازه کافی برانگیزاننده نباشد، کاربرد این الگو بسیار مشکل خواهد شد. رعایت چند نکته در طرح مسئله آن را جالب توجه خواهد کرد. بدیهی است که اگر نوع مشکل یا مسئله از نظر زمان، مکان و محتوا با خصوصیات شاگردان هماهنگ باشد، شاگردان در یافتن راه‌حل مسئله، علاقه‌مندی بیشتری از خود نشان خواهند داد.

به این ترتیب، لازم است قبل از طرح مسئله، تا حد امکان، خصوصیات نظیر سن، میزان تحصیلات، رشد ذهنی و عاطفی، ویژگی‌های فرهنگی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و سرانجام میزان علائق و رغبت‌های شاگردان مورد بررسی قرار گیرد.

جمع‌آوری اطلاعات

شاگرد پس از مواجه شدن با مسئله و تعریف آن، باید با کمک و هدایت معلم به دنبال اطلاعات مورد نیاز برود. منابع گردآوری اطلاعات باید از نظر علمی معتبر باشند. شاگرد اطلاعات مورد نیاز خود را می‌تواند از منابع مختلفی مانند کتاب‌های درسی و غیردرسی، روزنامه‌ها و مجله‌ها، مصاحبه با صاحب‌نظران، گردش علمی و تجارب مستقیم جمع‌آوری کند. اطلاعات جمع‌آوری شده باید با توجه به معیارهای صحیح و علمی طبقه‌بندی شوند تا شاگرد بتواند بر اساس طبقه‌بندی انجام شده، روابط میان اطلاعات موجود را درک کند و ذهنش برای رسیدن به یک استنباط کلی آماده شود. هر چه منابع جمع‌آوری اطلاعات معتبرتر و اطلاعات گردآوری شده کامل‌تر و طبقه‌بندی آن‌ها دقیق‌تر صورت پذیرد، شاگرد در رسیدن به راه‌حل موفقیت بیشتری به دست خواهد آورد. (سیف، روان‌شناسی پرورشی، ۱۳۷۹ و صفوی، امان‌الله، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، ۱۳۸۵)

ساختن فرضیه

سومین مرحله از مراحل اجرای حل مسئله، فرضیه‌سازی است. منظور از فرضیه‌سازی، پیش‌بینی راه‌حل‌های احتمالی و حدسی برای حل مسئله است. فرضیه‌های اولیه بر اساس نگرش و شناخت پیشین شاگرد و اطلاعات و شواهدی که در اختیار وی قرار دارند، در ذهن او شکل می‌گیرند. در الگوی حل مسئله، اکثر مواقع فرضیه‌های اولیه بر مبنای رابطه‌هایی که شاگردان بین اطلاعات و داده‌های موجود می‌بینند، تشکیل می‌شود. در بسیاری موارد نیز فرضیه به تدریج شکل می‌گیرد. به هر حال شاگرد برای ساختن فرضیه ناگزیر است که به تفکر بپردازد. او با در نظر گرفتن چندین راه ممکن برای ادامه فعالیت خود، نتایج هر یک از آن‌ها را در عالم تصور مدنظر می‌آورد. بدیهی است که در هیچ یک از آن‌ها اخذ نتیجه، قطعی نیست.

آزمایش فرضیه

فرضیه حدسی است که بر اساس اطلاعات پیشین و شواهد موجود، در برخورد با دنیای خارج، در ذهن شاگرد شکل می‌گیرد. به این ترتیب، در اکثر موارد، فرضیه راه‌حل نهایی محسوب نمی‌شود. برای قبول یا رد فرضیه باید آن را بیازماییم. درواقع فرضیه آزمایشی نیز یکی از مراحل مهم حل مسئله است. برای آزمایش فرضیه، شاگرد باید اطلاعات و شواهد موجود را تحلیل کند و قالب‌های فکری، گرایش‌های کلی، تفاوت‌ها و تشابه‌هایی را که در میان شواهد به پذیرش یا رد فرضیه منجر می‌شوند، مشخص کند؛ به عبارت بهتر، آزمایش فرضیه فعالیتی است آگاهانه که در آن اطلاعات جمع‌آوری شده تحلیل، ترکیب و ارزشیابی می‌شوند.

نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد

فرایند حل مسئله باید به نتیجه منتهی شود. بدون نتیجه‌گیری مسئله حل نخواهد شد. اساس این الگو آن است که شاگرد مشکلی را که با آن مواجه می‌شود به نحوی قابل قبول برای خود حل کند و مفاهیم تازه‌ای را یاد بگیرد. هنگام نتیجه‌گیری توجه به چند نکته ضروری است: شاگرد باید بتواند تشخیص دهد که شواهد موجود تا چه اندازه او را در اثبات درستی یا نادرستی فرضیه‌ها یاری خواهند کرد و این نتیجه‌گیری تا چه حد معتبر خواهد بود. او باید نتایج گرفته شده را در حد اطلاعات موجود و آزموده شده بپذیرد. شاگرد همیشه باید به خاطر داشته باشد که در علوم انسانی و حتی علوم تجربی، یافته‌های علمی قاطع و مطلق نیستند. آنچه امروز به عنوان حقایق علمی پذیرفته می‌شود، بر اساس شواهد موجود است، چه بسا با گردآمدن اطلاعات، تجارب و یافته‌های جدیدتر به نتایج دیگری برسیم. شاگرد باید پیش‌بینی کند که نتایج به دست آمده چقدر و تا چه اندازه به موارد جدید قابل تعمیم است. (سیف، روان‌شناسی پرورشی، ۱۳۷۹)

مراحل اجرا در الگوی حل مسئله

- ۱- طرح مسئله: حل مسئله با طرح و مشخص کردن مسئله آغاز می‌شود.
- ۲- جمع‌آوری اطلاعات: شاگرد پس از مواجهه شده با مسئله، باید با کمک و هدایت معلم به دنبال اطلاعات موردنیاز برود.
- ۳- ساختن فرضیه: منظور از فرضیه‌سازی، پیش‌بینی راه‌حل‌های احتمالی و حدسی برای حل مسئله است (حدس زدن یا مشخص کردن علل مسئله)
- ۴- آزمایش فرضیه: برای قبولی یا رد فرضیه باید آن را بیازماییم. آزمایش فرضیه فعالیتی است آگاهانه که در آن اطلاعات جمع‌آوری شده، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی می‌شوند.
- ۵- نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد: بدون نتیجه‌گیری مسئله حل نخواهد شد، اساس این الگو آن است که شاگرد مشکلی را که با آن مواجه می‌شود به نحوی قابل قبول برای خود حل کند و مفاهیم تازه‌ای را یاد بگیرد.

نقش و وظیفه معلم در الگوی حل مسئله

- ۱- در الگوی حل مسئله، معلم نقش مشاور، راهنما و مدیر را در فرایند تدریس بازی می‌کند. او به جای انتقال اطلاعات و واقعیت‌های علمی، روش کسب اطلاعات را به شاگردان می‌آموزد.

- ۲- در روش حل مسئله، معلم باید بتواند دانش‌آموزان را به یادگیری تشویق و تحریک کند و ضمن ایجاد رغبت و انگیزه در یادگیرندگان برای حل مسئله، به خوبی هدف از طرح مسئله را بیان کند، به‌گونه‌ای که همه‌ی دانش‌آموزان دقیقاً مسئله را تشخیص دهند.
- ۳- معلم به دانش‌آموزان از طریق معرفی منابع اطلاعاتی، آزمایش، مصاحبه و ... کمک می‌کند.
- ۴- داشتن ارتباط نزدیک و صمیمی با دانش‌آموزان و شناسایی افراد خلاق
- ۵- داشتن صبر و حوصله و بردباری در تمام مراحل اجرای الگو حل مسئله از کنترل کار گروه‌ها گرفته تا ارائه گزارش‌ها و انتخاب برترها. (صفوی، امان‌الله، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، ۱۳۸۵)

تعریف مطالعات اجتماعی

مطالعات اجتماعی دانشی است که از انسان، روابط او با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و طبیعی تحولات زندگی بشر در گذشته، حال و آینده و جنبه‌های گوناگون آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی) بحث می‌کند. چنین تعریفی از مطالعات اجتماعی، اولاً حاکی از آن است که مطالعات اجتماعی با علوم هفت‌گانه‌ی اجتماعی، یعنی تاریخ، جغرافیا، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و روان‌شناسی ارتباط دارد. ثانیاً به ارتباط بین علوم اجتماعی برای رسیدن به فهمی وسیع‌تر اشاره می‌کند. مطالعات اجتماعی در اغلب کشورها به شیوه‌ی کم و بیش درهم تنیده و با زبانی ساده، متناسب با سطح رشد ادراکی کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود. (فلاحیان، آموزش مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۹)

ماهیت درس مطالعات اجتماعی

در درس آموزش مطالعات اجتماعی در ابتدا چیستی و ماهیت این حوزه‌ی یادگیری و ویژگی‌های آن تشریح می‌رود. سپس، مطالبی درباره‌ی سه حیطه‌ی دانش و شناخت، مهارت‌ها و ارزش‌ها و نگرش‌ها با توجه و تأکید بر برنامه‌ی درسی جدید مطالعات اجتماعی ارائه می‌شود. بعد از آن به روش‌های یاددهی، یادگیری، طراحی واحد یادگیری و کاربرد برخی نظریه‌های یادگیری در آموزش این رشته اشاره می‌شود. با توجه به این‌که سه رشته‌ی جغرافیا، تاریخ و مدنی محورهای اصلی این حوزه یادگیری‌اند لذا برخی نکات و موارد ضروری پیرامون آموزش این رشته‌ها توضیح داده می‌شود. بعد مواد آموزشی (بسته‌ی آموزشی) مطالعات اجتماعی بررسی شده و در آخر به ارزش‌یابی از این درس پرداخته خواهد شد. (موسوی، ۱۳۹۱)

بررسی انواع روش‌های فعال تدریس در دروس مطالعات اجتماعی

در هر مقوله‌ی علمی و تخصصی آشنایی با واژه‌های تخصصی ضروری است، زیرا در طول فعالیت علمی با این واژه‌ها به‌گونه‌ای کاربردی سروکار داریم. در روش تدریس نیز آشنایی با واژه‌های زیر ضرورت دارد:

روش: تلاش برنامه‌ریزی شده جهت دستیابی به مطلوب را روش گویند. بنابراین اگر تلاشی بدون برنامه‌ریزی صورت گیرد، آن کار روشمند نخواهد بود. همچنین برنامه‌ریزی بدون تلاش و کوشش جهت دستیابی به مطلوب نیز تحت مقوله‌ی روش‌ها قرار نمی‌گیرد.

تدریس: فعالیت دوجانبه یا کنش متقابل را بین فرادهنده و فراگیر با هدف یادگیری تدریس گویند. نکته‌ی اساسی این نوع فعالیت، دوجانبه بودن آن است که روانشناسی ارتباط، زمینه‌ساز این مسئله خواهد بود. گفته شده است، مجموعه‌ی اعمال سنجیده‌ی منطقی و پیوسته که معلّم به منظور ارائه درس انجام می‌دهد، فرآیند تدریس نامیده می‌شود.

یادگیری: فرآیندی است که به موجب آن تغییرات نسبتاً پایدار و مبتنی بر تجربه و آگاهانه انجام می‌شود. از آنجا که اساس آموزش و پرورش را یادگیری تشکیل می‌دهد، در مبحثی جداگانه به آن خواهیم پرداخت و عوامل، موانع و مراحل آن را بیان خواهیم کرد.

انگیزش: مهارت و قدرت معلم در توانایی برانگیختن فراگیر را انگیزش می‌گویند، کلید یادگیری، انگیزش است و هنر معلم در ایجاد انگیزه‌مندی بین فراگیران نمود می‌کند. مفهوم انگیزش را آنگاه به کار می‌بریم که می‌خواهیم از علت یا علت‌ها یا تعیین‌کننده رفتارها یا رفتارهای شخصی و یا گروهی بحث کنیم و دریابیم که چه عامل درونی و برونی باعث پیدا شدن چنان رفتار و یا باعث هدایت آن رفتار شده است.

تحلیل آموزشی در سه حوزه‌ی محتوا، ابزار و روش

روش تدریس از محدوده‌ی علوم «روش‌شناختی» است که بیشتر جنبه‌ی کاربردی دارد و بر اساس خلاقیت و نوآوری فرادهنده شکل می‌گیرد، اما در نوشتار حاضر مواردی جهت بهینه‌سازی تدریس مطرح می‌شود که حاصل تجارب مدرّسان موفق بوده و با قوانین کلی علمی و عقلی سازگار است. از جمله موارد مهم در امر تدریس «تحلیل آموزش» است به این معنا که معلم پیش از آغاز سال تحصیلی در سه نکته‌ی مهم و اساسی متمرکز شده و مطابق آن‌ها برنامه‌ریزی کند:

الف) تحلیل محتوای متن آموزش و تنظیم و دسته‌بندی مطالب بر اساس محتوا و زمان.

ب) تحلیل ابزار کمک آموزشی با توجه به امکانات موجود و محتوای موردنظر.

ج) تحلیل روش تدریس با توجه به شناخت سطح مخاطب، زمان تعیین شده و محتوای آموزش.

از مجموعه‌ی این عملیات در روانشناسی تربیتی و فنون تدریس با عنوان «مهارت‌های پیش از تدریس» یاد می‌شود. معلم با بررسی محتوا و ابزار کمک آموزشی موجود و متناسب با محتوا و انتخاب روش تدریس متناسب با محتوا و ابزار موجود می‌تواند سال تحصیلی را با اعتماد و اطمینان کامل آغاز کرده، از ابتدای دوره‌ی آموزش به رفع نواقص آن بپردازد.

در مورد تحلیل محتوایی باید به دو نکته‌ی اساسی توجه شود:

- بررسی محتوای متن آموزشی و تنظیم مطالب بر اساس تقدّم و تأخّر و سختی و آسانی مفاهیم.
- زمان‌بندی منطقی با توجه به محتوای مذکور (با در نظر گرفتن تعطیلات رسمی) و هماهنگی با برنامه‌های کلان در سیستم آموزشی مؤسسه‌ی مربوط.

پس از آن که متن آموزشی در مورد تحلیل قرار گرفت، به ابزار کمک آموزشی می‌پردازیم. در سطوح پایین تحصیلی بیشتر از ابزار سمعی - بصری استفاده می‌شود و با توجه به نوع درس، ابزار آن نیز متفاوت می‌شود. لوح‌های آموزشی، فیلم‌ها و عکس‌های آموزشی، اردوها و... می‌توانند ابزار کمک آموزشی ما باشند که با توجه به سطح علمی مخاطب و امکانات مؤسسه‌ی آموزشی انتخاب می‌شوند.

در بخش تحلیل روشی باید به انواع روش‌های تدریس اعم از روش‌های کهن و نو آشنا بوده، با در نظر گرفتن موقعیت سنی فراگیران و نوع متن آموزشی، روش متناسب و شایسته‌ای را انتخاب کرد. روش‌های کهن همچون روش سقراطی و مکتب‌خانه‌ای و روش‌های نو مانند روش فعال، توضیحی و نیمه فعال هستند که در جای خود به آن‌ها خواهیم پرداخت. ما در بخش پایانی این مقاله به عنوان یک بحث مستقل، انواع روش‌های تدریس را توضیح خواهیم داد.

آشنایی با اهداف آموزشی

معلم نیز همچون هر فرد هدفمندی باید پیش از ورود به عرصه‌ی تدریس و آموزش، اهداف خود را مشخص کرده، با برنامه‌ریزی صحیح و دقیق مشغول تدریس شود. از این‌رو، ابتدا باید با اهداف آموزشی آشنایی کامل داشته، سپس آن‌ها را تعیین کند.

اهداف آموزشی ماهیتاً مثبت هستند، زیرا آموزش به ویژه در کشور ما برای «انسان‌سازی» و «تربیت نیروهای مثبت» صورت می‌گیرد. اهداف آموزشی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) هدف کلی

ب) اهداف جزئی یا مرحله‌ای

ج) اهداف رفتاری

هدف کلی: عبارت است از این که فراگیر کلیه‌ی معلومات و توانایی‌هایی را که در آغاز دوره‌ی آموزش فاقد آن‌ها بوده، در پایان آموزش فراگیرد. این هدف قابل اندازه‌گیری نبوده و بسیار کلی است.

اهداف جزئی یا مرحله‌ای: عبارت است از مسیرها و مواردی که برای رسیدن به هدف کلی آموزش و به عنوان پیش‌نیاز باید پیموده شود. و پله‌هایی است که فراگیر باید پشت سر گذارد تا به یادگیری موردنظر برسد. برای مثال، وقتی هدف ما آموزش جمله سازی به کودک است، یکی از اهداف جزئی آموزش، کلمه می‌شود و هدف جزئی‌تر، آموزش حروف. بنابراین، هدف کلی معلم ایجاد یادگیری یک موضوع و یا متن خاص است و اهداف جزئی او که سلسله‌مراتب دارد، ایجاد یادگیری و یا ارزشیابی برای یادگیری‌های پیشین فراگیر نسبت به پیش‌نیازهای همان موضوع است.

اهداف رفتاری: عبارت است از اعمال، رفتارها، حرکات و آثاری که قابل مشاهده، شنیدن و لمس کردن هستند و می‌توان آن‌ها را سنجید. در واقع تغییراتی که معلم انتظار دارد در آغاز هر درس و قبل شروع هر درس جدید و یا پس از پایان آموزش در رفتار دانش‌آموز مشاهده کند. به عبارت دیگر، رفتارهای عینی و قابل اندازه‌گیری که در رفتار فراگیر مشاهده می‌شود.

برخی از روانشناسان تربیتی اهداف را به دو بخش کلی و رفتاری (عینی) تقسیم می‌کنند، ولی تقسیم‌بندی فوق دقیق‌تر است. پس از تعیین اهداف آموزشی، یک معلم موفق باید گام‌هایی جهت طراحی آموزش و تحلیل بردارد و آن‌ها عبارت‌اند از:

- تبدیل هدف کلی به اهداف جزئی (مرحله‌ای) آموزشی.
- تبدیل اهداف جزئی به هدف‌های رفتاری.
- تعیین نوع ارتباط بین هدف کلی و اهداف جزئی.
- تعیین رفتار ورودی فراگیران و آگاهی از مهارت‌هایی که آنان از قبل داشتند.
- ارزشیابی جهت سنجش رفتار خروجی، یعنی آگاهی‌های جدیدی که برای آن‌ها ایجاد شده است.

به نظر می‌رسد معلمان متعهد و متدین دو هدف کلی و انسانی دارند:

الف) پاسخگویی به نیازهای فطری فراگیران.

ب) ایجاد یادگیری و آشنا ساختن فراگیران با دانش روز.

حال که تحلیل آموزشی (محتوایی، ابزاری و روشی) صورت گرفت و اهداف آموزشی نیز مشخص شد و طراحی آموزش پایان یافت، به بخش عملیاتی تدریس می‌پردازیم. مهارت‌های لازم برای یک معلم موفق در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد.

معرفی روش‌های فعال تدریس در آموزش مطالعات اجتماعی

شیوه سخنرانی

معلم به‌طور شفاهی اطلاعات و مفاهیم را، در عرض مدتی که ممکن است از چند دقیقه تا یک ساعت یا بیشتر طول بکشد، در کلاس ارائه می‌دهد. در سخنرانی می‌توان معلم را با عنوان پیام‌دهنده و دانش‌آموز را به عنوان پیام‌گیرنده تصور کرد. از این نظر سخنرانی شیوه‌ای است یک‌سویه، برای انتقال اطلاعات، که معمولاً فراگیر در آن نقش غیرفعال دارد. محتوای سخنرانی را معلم قبل از ورود به کلاس تعیین می‌کند.

شیوه پرسش و پاسخ

شیوه پرسش و پاسخ شیوه‌ای است که معلم به وسیله آن فراگیر را به تفکر درباره مفهومی جدید یا بیان مطالبی فرا گرفته شده تشویق می‌کند. معلم، وقتی که می‌خواهد مفهوم دقیقی را در کلاس مطرح نماید یا توجه فراگیران را به موضوعی جلب کند شیوه پرسش و پاسخ را به کار می‌برد و نیز بدین وسیله فراگیر را تشویق می‌کند تا اطلاع خود را درباره موضوعی بیان کند ممکن است برای مرور کردن مطالبی که قبلاً تدریس شده‌اند مفید باشد، یا وسیله خوبی برای ارزشیابی میزان درک فراگیر از مفهوم موردنظر باشد.

شیوه بحثی

در شیوه بحثی، دانش‌آموزان فعالانه در یادگیری شرکت می‌کنند و مفهوم مورد نظر را از یکدیگر می‌آموزند. در این شیوه معلم را می‌توان به عنوان محرک، شروع‌کننده بحث و راهنما تصور کرد. معلم طوری سؤال یا مسئله را مطرح می‌کند که دانش‌آموزان را به پاسخگویی یا حل مسئله تشویق کند. این شیوه در دو مورد زیر، کاربرد خاصی دارد: ۱- موقعی که معلم می‌خواهد مفهوم جدیدی را به فراگیران بیاموزد (مانند موقعیت بالا) و انتظار دارد که همه آن‌ها مفهوم را به شکلی واحد دریابند در این صورت معلم سعی می‌کند که بحث را به جهتی بکشد که شکل صحیح مفهوم از آن نتیجه‌گیری شود.

۲- هدف معلم این است که ذهن دانش‌آموز را به تکاپو و جستجو وادارد. در این صورت معلم مسئله‌ای را عنوان می‌کند که تا دانش‌آموزان راه‌حل آن را پیشنهاد نکنند. در این موقعیت معلم سعی می‌کند که موضوع بحث را به دلخواه خود کنترل نکند، تا راه‌حلی را که خود در نظر دارد به کلاس تحمیل نکرده باشد..

شیوه نمایشی

در این شیوه معلم معمولاً، برای فهماندن مطلبی خاص به فراگیران، از وسایل و اشیاء گوناگون استفاده می‌کند. در صورتی که معلم نتواند برای فهماندن مطلب درسی آزمایش انجام دهد، شیوه نمایشی می‌تواند شیوه خوبی برای روشن‌تر کردن مفهوم برای فراگیران باشد.

الگوی ایفای نقش

هدف این الگو، رشد همدلی با دیگران و بررسی مسائل و واقعیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی در عمل است. این الگو می‌تواند باب افتتاح گفتگو درباره‌ی ارزش‌ها و چگونگی اثر آن‌ها در زندگی روزانه باشد. در این الگو معلم مسئول شروع و هدایت دانش‌آموزان است. به نحوی که آن‌ها را قادر به تحلیل رفتار، ارزش‌های فردی، همدلی، حل مسائل میان فردی، نقش ارزش‌ها در مسائل اجتماعی و آسودگی در ابراز عقاید نماید. این الگو در همه برنامه‌های آموزشی و پرورشی و سنین مختلف کاربرد دارد. به‌طور کلی این الگو باعث افزایش فهم دانش‌آموزان در بهبود و گسترش ارزش‌های اجتماعی می‌شود. برای مثال: معلم می‌تواند از طریق این الگو مسائل خوب و بد اجتماعی و یا رفتارهای خوب و بد را توسط دانش‌آموزان به نمایش بگذارد و سپس در مورد آن به کمک فراگیران به بحث و ارزشیابی بپردازد. بدین ترتیب معلم از طریق عمل (نمایش) به بررسی مسائل اجتماعی، رفتاری و ارزشیابی آن توسط دانش‌آموزان می‌پردازد. (صفوی ۱۳۸۵ و شعبانی، ۱۳۸۲)

روش کارگاهی

روش تدریس کارگاهی یکی از روش‌های مؤثر یاددهی و یادگیری است که در بیشتر موارد با روش سخنرانی، سمینار، کنفرانس و سمپوزیوم یکسان بکار برده می‌شود. برای درک بهتر روش کارگاهی ابتدا به مفاهیم ذکر شده می‌پردازیم و سپس روش کارگاهی را شرح می‌دهیم.

سمینار

عده‌ای صاحب نظر هستند، که دور هم جمع شده و تبادل نظر می‌کنند. (البته تعداد افراد در سمینار محدود باشد، حداکثر ۱۰۰ نفر که به گروه‌های کوچک ۱۰ الی ۱۵ نفری تقسیم می‌شود و تبادل نظر می‌کنند و در نهایت کل گروه‌ها به تبادل نظر می‌پردازند)

الگوی کاوشگری علمی

این الگو باعث آموزش علمی به سبک‌های مشخص و آموزش مفاهیم بنیادی در دانش‌آموزان می‌گردد. رسالت معلم در این الگو پرورش کاوشگری، ایجاد جوی توأم با همکاری و داشتن انعطاف است. این الگو منجر به دانش علمی تعهد به کاوشگری علمی، ژرف اندیشی و روح مهارت همکاری در دانش‌آموزان

می‌شود. مراحل این الگو عبارت‌اند از: ۱- فراهم آوردن زمینه جستجو برای دانش‌آموزان. ۲- تعیین مسئله از سوی دانش‌آموزان. ۳- مشخص کردن مسئله در هر جستجو توسط دانش‌آموزان. ۴- دانش‌آموزان حدس در خصوص راه‌های توضیح مشکل می‌پردازند.

الگوی بدایع پردازی (افزایش تفکر خلاق)

هدف این الگو افزایش تفکر خلاق و مشکل‌گشایی در مواقع خاص، بر هم زدن سنت‌های متداول و گسترش افق‌های فردی و اجتماعی در دانش‌آموزان است. معلم سؤالاتی از دانش‌آموزان می‌نماید، ولی پاسخ دانش‌آموزان کاملاً باز است و معلم بایستی کمک کند تا شاگردان تفکر خود را بسط دهند این الگو باعث رشد خلاقیت و نوع آوری، همبستگی گروه و بر هم زدن سنت‌ها در نزد انظار می‌شود. (سنگری، محمدرضا و...، ۱۳۸۳، طراحی آموزشی و صفوی، امان‌الله، ۱۳۷۰، کلیات روش‌ها و فنون تدریس و میرزا محمدی، محمدحسن، ۱۳۸۳، کتاب ارشد)

مراحل تدریس الگو عبارت‌اند از: ۱- توصیف وضعیت جدید به کمک معلم ۲- قیاس مستقیم به نحوی که معلم قیاس مستقیم (مقایسه ساده از دو موجود یا دو مفهوم) را پیشنهاد و از شاگردان می‌خواهد آن‌ها را توصیف کنند. ۳- قیاس شخصی به نحوی که معلم شاگردان را به قیاس مستقیم (شدن) ترغیب می‌کند. ۴- مقایسه قیاس‌ها از طریق شاگردان. ۵- توضیح تفاوت‌ها به کمک شاگردان. ۶- اکتشاف به کمک شاگردان. ۷- قیاس زایی، شاگردان مجدد به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های قیاس می‌پردازند.

الگوی آگاهی یابی

اهداف این الگو کمک به دانش‌آموزان برای توسعه آگاهی از توانایی‌های خویشتن در تفکر و احساسات گروهی، مناسب انسانی و ایجاد تصور ذهنی از خود است. معلم باید در این الگو انعطاف‌پذیر باشد. این الگو منجر به افزایش آگاهی، خود یکپارچگی روابط میان فردی می‌شود. —مراحل این الگو عبارت‌اند از: ۱- مشخص کردن تکلیف برای شاگردان از طریق ایجاد محیط امن برای آن‌ها ۲- بحث و تحلیل در خصوص گام اول.

الگوی پژوهش گروهی (تفحص گروهی)

این الگو برای کمک به دانش‌آموزان در تقویت مردم‌سالاری، تشریح مساعی و آموزش آن‌ها از طریق همکاری کاوشگرانه در فهم و مسائل اجتماعی و تحصیلی است در این الگو معلم مانند یک مشاور عمل می‌کند و بایستی بتواند به درخواست‌های دانش‌آموزان پاسخ دهد و به کمک آن‌ها نیازمندی‌های آموزش را فراهم آورد. این الگو نیازمند یک جو مثبت برای استدلال و مذاکره می‌باشد و در همه سنین و سطوح تحصیلی و انجام کارهای گروهی کاربرد مناسبی دارد. این الگو در نهایت منجر به کاوشگری

منظم، کنترل و پوشش مؤثر گروهی، تقسیم کار، مردم‌سالاری، تعهد و تمایل نسبت به کاوشگری و هم‌کوشی در دانش‌آموزان می‌شود.

الگوی کاوشگری علوم اجتماعی

این الگو باعث درک مسائل اجتماعی، از قبیل مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، مهارت عقلی، آموختن اطلاعات، تشکیل مفاهیم و استفاده مناسب از مفاهیم در دانش‌آموزان می‌شود. در این الگو معلم موقعیت کاوشگری را ایجاد و از دانش‌آموزان می‌خواهد تا به بررسی و نتیجه‌گیری در مورد آن بپردازند. این الگو در تمام سنین و دوره‌های تحصیلی به ویژه در درس علوم اجتماعی کاربرد دارد. و در نهایت باعث تقویت فهم و درک دانش‌آموزان در خصوص مسائل اجتماعی می‌شود.

روش بحث گروهی

روش بحث گروهی، گفتگویی است سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص که موردعلاقه مشترک شرکت‌کنندگان در بحث است. این روش برای کلاس‌هایی قابل اجراست که جمعیتی بین ۶ تا ۲۰ نفر داشته باشند. روش بحث گروهی، روشی است که به شاگردان فرصت می‌دهد تا نظرها، عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند و اندیشه‌های خود را با دلایل هستند بیان کنند.

چه دروس و موضوع‌هایی را می‌توان با روش بحث گروهی تدریس کرد؟

۱- موضوع‌هایی که بتوان درباره آن نظرات مختلف و متفاوت ارائه داد.

۲- فراگیران درباره موضوع، اطلاعات لازم را داشته باشند یا بتوانند کسب کنند.

۳- موضوع موردعلاقه مشترک شرکت‌کنندگان در بحث باشد. در این روش، شاگردان بیش از استفاده از کتاب یا معلم، خود مؤلف به یافتن نتایج، اصول و راه‌حل‌ها هستند و این در صورتی است که شاگردان به موضوع علاقه‌مند باشند.

موضوعاتی چون ریاضیات، علوم طبیعی، مهندسی و ... برای بحث گروهی کارآیی ندارند و در عوض علوم اجتماعی، تاریخ، اقتصاد، فلسفه، علوم سیاسی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با این روش قابلیت تدریس دارند.

درباره موضوعاتی که دانش‌آموزان کمتر به آن علاقه‌مند هستند معلم باید به‌نوعی در دانش‌آموزان ایجاد علاقه کند و در آن‌ها حساسیت به وجود آورد مثلاً با طرح سؤال، پخش یک فیلم و ...

معلم باید تا حد امکان مفید را نیز به فراگیران معرفی کند و به هر یک از آن‌ها یک منبع ارائه کند تا در بحث گروهی، دیدگاه‌های مختلف مطرح شود و این موضوع به توانایی علمی و فنی معلم بر می‌گردد. به

عبارت دیگر، اجرای مطلوب روش بحث گروهی تا اندازه زیادی بستگی به شخصیت معلم و درجه خونگرمی او دارد. معلمی که از این روش استفاده می‌کند باید قدرت تصمیم‌گیری داشته باشند. و طوری بحث را هدایت کند که موضوع به بیراهه کشیده نشود. در چه موقعیتی و برای چه هدفی می‌توان از روش بحث گروهی استفاده کرد؟

- ۱- ایجاد علاقه و آگاهی مشترک در زمینه خاص
- ۲- ایجاد و پرورش تفکر انتقادی (یعنی شاگرد بتواند بر اساس استدلال و شواهد به تجربه و تحلیل بپردازد).
- ۳- ایجاد توانایی اظهارنظر در جمع (بیشتر دانش‌آموزان از این‌که در کلاس اظهارنظر کنند، می‌ترسند).
- ۴- تقویت توانایی انتقادپذیری (به شرطی که انتقادگری به معنای عیب‌جویی و ایراد گرفتن نباشد).
- ۵- ایجاد و تقویت توانایی مدیریت و رهبری در گروه (در این روش یک نفر به عنوان مدیر گروه انتخاب می‌شود که وظیفه‌اش زمان‌بندی و هدایت بحث است).
- ۶- تقویت قدرت بیان و استدلال. (در این روش اکثر دانش‌آموزان فعال هستند، ساکت نمی‌نشینند).
- ۷- تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری
- ۸- آشنایی با روش کسب اطلاعات و حل مسائل
- ۹- ایجاد رابطه مطلوب اجتماعی

مراحل اجرای روش بحث گروهی

مرحله اول: آمادگی و برنامه‌ریزی - انتخاب موضوع

مرحله دوم: روش اجرای بحث گروهی

۱- وظایف معلم در روش بحث گروهی

الف: فراهم کردن امکانات

ب: شرکت در بحث: معلم موظف است در شروع بحث، تحت عنوان مقدمه هدف و ضوابط بحث گروهی را شرح دهد و باید نقش خود را در جریان بحث تا حد یک شنونده کاهش دهد.

ج: کنترل و هدایت بحث

۲-وظایف شاگردان در جریان بحث گروهی

معلم باید نقش شاگردان را به دقت به آنان بیاموزد. شاگردان باید درباره موضوع از قبل، مطالعه کنند و وسط حرف دیگران نپرند. با یکدیگر صحبت نکنند، کاملاً به صحبت‌های دیگران گوش کنند، انتظار نداشته باشند که نظر آن‌ها حتماً پذیرفته شود.

تحلیل و نتایج تحقیق

۱- کدام مؤلفه‌های آموزشی در گسترش روش تدریس فعال حل مسئله از نظر دبیران مطالعات اجتماعی شهرستان ساری تأثیر گذارند؟ (سؤالات ۱ الی ۱۱ پرسش‌نامه)

جدول شماره ۱: فراوانی به درصد مؤلفه‌های آموزشی گسترش روش تدریس حل مسئله

ردیف	عنوان	کاملاً موافقم	موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم
	عنوان- شما با هریک از مؤلفه های زیر تا چه میزانی در توسعه روش تدریس حل مسئله در تدریس دروس مطالعات اجتماعی موافقت می کنید؟				
۱	تنوع در اجرای روش های تدریس	۴۲	۳۶	۸	۴
۲	برقراری تعامل بین معلم و فراگیر	۵۱	۳۹	۷	۳
۳	آموزش طرح پرسش و نقد متون در فرایند تدریس	۴۷	۳۸	۱۵	۵
۴	آموزش گردآوری اطلاعات میدانی به فراگیران	۶۳	۲۸	۸	۲
۵	استفاده از انواع آزمون های عملکردی	۵۴	۳۶	۹	۱
۶	استفاده از روش فرضیه سازی	۴۳	۳۷	۱۴	۶
۷	تمرین فرضیه سازی در فرایند تدریس	۵۹	۳۸	۳	-
۸	طبقه بندی اطلاعات دانش آموزان بعد از تدریس	۳۷	۴۷	۱۰	۶
۹	آموزش طرح مسئله به فراگیران	۴۳	۴۷	۸	۲
۱۰	آموزش روش تحقیق و ساختار آن به دانش آموزان	۳۸	۳۷	۱۱	۴
۱۱	استفاده از روش تدریس داستان سرایی	۵۳	۳۸	۹	۱

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی از قبیل: برقراری تعامل بین معلم و فراگیر-آموزش گردآوری اطلاعات میدانی به فراگیران-استفاده از انواع آزمون‌های عملکردی-استفاده از روش فرضیه‌سازی-تمرین فرضیه‌سازی در فرایند تدریس در توسعه و گسترش مهارت حل مسئله در مدارس عواملی اثرگذار می‌باشند. اگر بخواهیم آموزش موفق داشته باشیم باید کتاب‌های درسی متناسب با نیازها و اوضاع و احوال روز و جامعه به‌روز شده، از حجم آن‌ها کاسته شده و بر محتوای آن‌ها افزوده شود تا فرصت یادگیری بیشتری در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد. دانش‌آموزان را تشویق و ترغیب کنیم که سری به کتابخانه‌ها زده و کتاب‌ها و نشریاتی را در زمینه‌ی درس موردنظر مطالعه کنند. امکانات کمک آموزشی لازم را جهت یادگیری بهتر و بیشتر در مدارس، فراهم کنیم. برنامه مدارس طوری باشد

که فرصت و جایگاهی برای بازدیدهای علمی درس جغرافیا در آن گنجانده شده و دست‌آخر مشکلات اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان را به عنوان یکی از موانع مؤثر در امر تحقق آموزش مطلوب از یاد نبرده و قدم‌های مؤثر و تأثیرگذاری در جهت حل آن‌ها برداریم.

۲- آیا بین به‌کارگیری شیوه‌های مهم تربیتی با گسترش مهارت حل مسئله در فرایند یاددهی-یادگیری دروس مطالعات اجتماعی رابطه وجود دارد؟ (سؤالات شماره ۱۲ الی ۲۱ پرسشنامه)

جدول شماره ۲: فراوانی به درصد مؤلفه‌های پرورشی گسترش روش تدریس حل مسئله

۹	۱۱	۳۷	۴۲	الگو گرفتن از مدارس با نشاط کشور های پیشرفته	۱۲
۴	۱۱	۴۷	۳۸	برگزاری مسابقات علمی در مدارس	۱۳
۴	۱۶	۳۱	۴۹	تشکیل نمایشگاه در مدارس از طریق برگزاری مسابقات علمی-تحقیقی در کلاس درس	۱۴
۲	۸	۳۶	۵۴	اجرای برنامه های با نشاط در مراسم آغازین کلاس درس (تئاتر، نمایش، لطیفه گویی و ...)	۱۵
-	۳	۳۸	۵۹	تقویت مهارت همکاری و همیاری دانش آموزان با همدیگر در مسایل آموزشی	۱۶
۲۰	۱۳	۳۲	۳۵	بکارگیری از تجربیات افراد موفق	۱۷
۱۰	۱۴	۳۵	۴۱	توجه به اصول تفکر واندیشیدن سیره اهل بیت	۱۸
۳	۱۲	۳۸	۴۷	بکارگیری از کتب ارزشمند در زمینه مهارت حل مسئله	۱۹
۲	۸	۳۴	۵۶	توجه به سیستم گرمایی وبرودتی در کلاسها	۲۱

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی از قبیل: اجرای برنامه‌های بانشاط در مراسم آغازین کلاس درس (تئاتر، نمایش، لطیفه‌گویی و ...)، تقویت مهارت همکاری و همیاری دانش‌آموزان با همدیگر در مسائل آموزشی و توجه به سیستم گرمایشی و سرمایشی در کلاس‌ها در توسعه و گسترش مهارت حل مسئله در مدارس عواملی تأثیرگذار می‌باشند. بنابراین جهت توسعه مهارت تدریس حل مسئله به نکات زیر باید توجه نمود: ۱- قبل از شروع به صحبت کلاس را کاملاً ساکت کنید. ۲- جلوی ورود دانش‌آموزانی را که بعد از شما به کلاس می‌آیند بگیرید. ۳- نام دانش‌آموزان را سریعاً یاد بگیرید و آن‌ها را به اسم صدا کنید. ۴- درس را قبلاً آماده کرده و آن را سفت و سخت سازمان‌دهی کنید. ۵- قبل از ورود دانش‌آموزان به کلاس وارد شوید. ۶- یاد بگیرید که چگونه از وسایل موجود در کلاس استفاده کنید. ۷- هنگام صحبت و تدریس به دانش‌آموزان نگاه کنید. ۸- روش پرسش و پاسخ مؤثری را به کار ببندید. ۹- مرتباً فنون تدریس خود را تغییر دهید. ۱۰- به‌طور سازمان‌یافته از شوخی و مزاح در کلاس درس استفاده کنید.

پیشنهادات تحقیق

الف- تشکیل اتاق مطالعات اجتماعی

- ۱- دارای تخته‌سیاه و یا وایت برد و همچنین تعداد کافی صندلی و میزی بزرگ در وسط باشد.
 - ۲- دارای قفسه‌هایی جهت نگهداری کتاب‌ها، نشریات، اطلس‌ها، نقشه‌ها و ... باشد.
 - ۳- چند نقشه با موضوعات مختلف جغرافیایی و همچنین نقشه‌هایی از ستارگان، صورت‌های فلکی، پوستره‌های نجومی و... را از دیوارهای آن آویزان کنید.
 - ۴- کارهای تحقیقی دانش‌آموزان، گزارش‌های مربوط به بازدیدهای علمی، بریده روزنامه و ... می‌تواند بخشی از فضای اتاق را به خود اختصاص دهد.
 - ۵- در مکان مناسبی از اتاق، وسایل سمعی و بصری همانند کامپیوتر، تلویزیون، پروژکتور، اورهد، ویدئو و ... را جهت استفاده دانش‌آموزان و دبیران قرار دهید.
- در کنار راه‌اندازی اتاق جغرافیا می‌توان از فن‌آوری‌های نوین در امر آموزش استفاده کرد. فن‌آوری‌هایی مانند استفاده از نرم‌افزار آفیس و پرده‌نگار جهت ساختن اسلاید، استفاده از نرم‌افزار گوگل ارث شرکت گوگل جهت نشان دادن موقعیت شب و روز، حرکت زمین، قاره‌ها، اقیانوس‌ها، جنگل‌ها... و نیز استفاده از اسکنر به جهت قدرت بزرگنمایی بالای آن بدون به هم ریختگی متن و نوشته.

ب- پیشنهادهای علمی و آموزشی

- ۱- ایجاد زمینه‌ی تفکر و تحقیق و پرهیز از ارائه‌ی اطلاعات صرف به دانش‌آموزان
- ۲- تهیه امکانات کار علمی و کاربردی
- ۳- ایجاد فضای مناسب در انتقال تجارب و آموزش‌های جدید به دانش‌آموزان
- ۴- ایجاد فضا و امکانات مناسب جهت تحقیق و تفحص دبیران جغرافیا و شرکت در کارگاه‌های آموزشی، گردهمایی‌ها و دوره‌های ضمن خدمت

منابع

قرآن کریم

- آقازاده، محرم (۱۳۸۶)، راهنمای روش‌های نوین تدریس، انتشارات آبیژ.
- آکادمی تفکر (۱۳۹۱) نمونه‌هایی از سؤال‌های پایه در حل مسئله.
- آل‌گوتک، جerald (۱۳۸۳). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. پاک سرشت، محمد جعفر. تهران. انتشارات سمت. چاپ سوم..
- احدی، حسن (۱۳۷۶)... روان‌شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک). تهران. نشر بنیاد.. چاپ دهم.
- ترکمندی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، الگوی تدریس بارش مغزی. زیبا وب.
- پارسا، محمد (۱۳۷۲)، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد و نظریه‌ها: انتشارات بعثت.
- جیمز، ویلیام (۱۳۵۹). دین و روان. قائنی، مهدی. قم. انتشارات دارالفکر.
- جرج پولیا (۱۳۸۸)، هنر حل مسئله. ترجمه احمد آرام.
- جیمز هیگینز (۱۳۸۵)، کتاب ۱۰۱ تکنیک حل خلاق مسئله، (راهنمای اندیشه نو برای کسب‌وکار)، ترجمه: محمود احمدپور داریانی..
- دیبونو، ادوارد (۱۳۸۴). به فرزندان خود روش فکر کردن بیاموزید. ریاضی، عبدالمهدی. تهران. انتشارات پیک بهار. چاپ سوم.
- دیبونو، ادوارد (۱۳۷۶) تفکر جانبی. ترجمه عباس. بشارت‌یان.. تهران. نشر مترجم.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، روان‌شناسی پرورشی، موسسه انتشارات آگاه.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲)، مهارت‌های آموزشی روش‌ها و فنون تدریس، تهران، سمت.
- شرفی، محمد رضا (۱۳۸۱). تفکر برتر. تهران. انتشارات سروش. چاپ دوم.
- صفوی، امان‌الله (۱۳۸۵)، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، انتشارات سمت.
- صمیمی اردستانی، مهدی؛ (۱۳۹۱)، حل مشکل، (آموزش یکی از مهارت‌های زندگی)، تهران، نشر قطره، چاپ چهارم.
- قاسم‌زاده، حسن (۱۳۸۹). حل خلاق مسئله.